

تشریح امر به معروف و نهی از منکر و مسأله عفاف از منظر فقه و حقوق امامیه

احمد مرادخانی*، زهرا معماریان**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۲۴)

چکیده

از واجبات مورد تأکید امر به معروف و نهی از منکر است که با هدف تربیتی و مراقبت از فطرت الهی انسان ها تشریح شده است. همچنین از مسایل مورد تأکید دین مبین اسلام عفت است که به نیروی درونی تعدیل کننده شهوات و غرایز انسان اطلاق می شود. فلسفه جعل و تشریح امر به معروف و نهی از منکر تربیت انسان هاست. احساس مسئولیت امر و ناهی نسبت به فرمان های الهی و دور نشدن از فطرت الهی، همچنین ترویج نیکی ها و جلوگیری از رواج زشتی ها در جامعه از اهداف فرعی تشریح این فریضه الهی به شمار می روند. برای امر به معروف و نهی از منکر مراتبی پیش بینی شده، تا اگر انکار قلبی اثر نکرد، از تذکر زبانی استفاده شود و اگر تذکر زبانی هم بی اثر بود، به اقدام عملی و انکار یدی رو آورد، نشانه آن است که قانون گذار اسلامی مصمم است تا ریشه گناه از جامعه برکنده شود و موجب اشاعه مسأله عفاف در جامعه شود. همچنین نهادهای فرهنگی مکلفند شرایط اقامه امر به معروف و نهی از منکر و بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در این خصوص را از طریق آموزش و اطلاع رسانی فراهم کنند.

کلیدواژگان

امر به معروف، تربیت انسان، عفاف، نهی از منکر.

* نویسنده مسئول: استادیار، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: Ah_moradkhani@yahoo.com

** مسئول مکاتبات: کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: z.n.memaryan@gmail.com

مقدمه

در قرن شانزدهم زنان به نوعی به امر پوشش و عفاف اهمیت می‌دادند که از جمله برای پوشاندن موهای سرشان از شتیل (نوعی روسری) استفاده می‌کردند. عروس هنگام ازدواج و بعد از آن تا زمانی که متأهل بود در مقابل نامحرمان موهای خود را با شتیل می‌پوشاند. زنان یهودی مشرق زمین مانند دوران کهن از چادر استفاده می‌کردند اگر چه هنوز هم زنان پارسا در بعضی فرقه‌ها نظیر فرقه حسیدیم از شتیل برای پوشاندن موها استفاده می‌کنند. معلمان مذهبی یهود هنجارها و آداب بسیار دشواری را در جامعه برای حفظ عفت زنان بنا نهاده بودند اما فرهنگ غالب در جامعه ای که یهودیان زندگی می‌کردند همیشه آداب یهودیان را تحت تأثیر خود قرار داده است برای مثال زنان شرقی یهود در دوران کهن، سرخود را با چادر می‌پوشاندند و آن عده که با وقارتر و صاحب جاه و مقام بودند چادر خود را تا روی صورتشان پایین می‌آوردند. سنت یهودیان فلسطین مبنی بر پوشاندن چهره در قرون وسطی نیز رایج بود اما این سنت در میان یهودیان بابلی زیاد رواج پیدا نکرد. (بوکر، ص ۲۱۱ و ۳۱۲؛ حمزه، ص ۱۱۷)

نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه گسترش عفاف و تعهدی که باید در پذیرش مسؤولیت‌های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می‌کند که او ناظر و مراقب همه اموری باشد که پیرامون وی اتفاق می‌افتد. قرآن کریم در سوره اعراف در زمینه عفاف و پوشش می‌فرماید: *فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ نادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تَلْكُمَا الشَّجَرَةَ وَ أَقُلَّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُفَّانٌ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ* (۲۲) پس شیطان آن دو را با فریب و حيله به سقوط (و پرتگاه گناه) کشاند، پس چون از آن درخت (نهی شده) چشیدند، زشتی برهنگی‌شان برای آنان آشکار شد و به (پوشاندن خویش با) چسباندن برگ درختان بهشت بر خود پرداختند و خداوند ندایشان داد: آیا شما را از آن درخت نهی نکردم و به شما نگفتم که شیطان برای شما دشمنی آشکار است؟ «دلی» از «تدلیة الدلو» به معنای فرستادن دلو در چاه است، یعنی شیطان با سوگند یاد کردن به خدای عز و جل آدم و حوا را فریفت و آن دو را با خوردن از آن درخت از مقامشان فرو کشاند. از قتاده روایت شده: شیطان مؤمن را با سوگند به خدا فریب می‌دهد. از ابن

عمر نیز نقل شده که هر گاه برده خود را می‌دید که نیکو نماز می‌گزارد او را آزاد می‌کرد. به او گفته شد: آنان تو را فریب می‌دهند. گفت: هر کس به وسیله خدا به ما نیرنگ زند نیرنگ او را می‌پذیریم. (طبرسی، ج ۲، ص ۳۰۳)

در فقه اسلامی این فریضه مهم تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده و از مهم‌ترین مبانی تفکر سیاسی یک مسلمان به شمار می‌رود؛ چنان‌که از مهم‌ترین فرایضی است که وجود کفایی آن ضروری دین شناخته شده و ضامن بقای اسلام است. (مجلسی، ج ۱۱، ص ۳۹۵)

شناختن حکمت و فلسفه احکام شریعت، در تبیین عقلانی، دفاع مستدل، گشودن افق‌های نو و گسترش التزام عملی مردم به آنها نقش بسزایی دارد. این مهم در احکام غیر عبادی که معمولاً منطقی غیر از تعبد بر آنها حاکم است، اهمیت بیشتری دارد. به ویژه نسبت به آن دسته از احکام شریعت که به زعم برخی با حقوق بنیادین بشر ناسازگارند. امر به معروف و نهی از منکر از جمله این احکام است که برخی به غلط آن را دخالت در حریم خصوصی دیگران می‌پندارند. آشنایی با حکمت و فلسفه این فرضیه مهم الهی و مبانی عقلی آن نشان خواهد داد که امر به معروف و نهی از منکر، با حدود و ضوابطی که در شرع برای آن ترسیم شده، نه تنها دخالت در حریم خصوصی دیگران نیست، بلکه راهکاری برای رشد و تربیت هموعان و ایمن‌سازی آنان از انواع آفت‌های اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. مقوله ای که دولت‌ها با تفاوت نگرش‌ها، با اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های دقیق و هزینه‌های فراوان در پی آن هستند.

در این مجال آنچه دنبال می‌شود، حکمت اصلی جعل و تشریح امر به معروف و نهی از منکر در شریعت اسلام است. پرسش اصلی این مقاله این است که جعل و تشریح امر به معروف و نهی از منکر چه تأثیری بر مسأله عفاف در جامعه می‌گذارد؟

معنای لغوی معروف و منکر

معروف هر آن چیزی است که عقل و شرع آن را به نیکی و خوبی می‌شناسند و معرفی می‌کنند و منکر هر آن چیزی است که عقل و شرع آن را ناپسند می‌داند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۴۰)

معنای اصطلاحی معروف و منکر

معروف در اصطلاح عبارت است از هر فعل و قولی که به لحاظ عقل یا شرع پسندیده است و منکر ضد آن است؛ یعنی هر کار و سخنی که مورد انکار عقل و شرع است. (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۸۰۷؛ طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۳۰۷-۳۰۸؛ جرجانی، ج ۱، ص ۳۶)

معنای لغوی عفت

عفت در لغت به خودداری از آن چه که حلال نیست گفته می‌شود. (فراهیدی، ج ۱، ص ۱۹۲) و عفاف به معنی خودداری نفس از محرّمات و... می‌باشد. (طریحی، ج ۵، ص ۱۰۲) راغب در مفردات عفت را حالتی برای نفس بر می‌شمارد و می‌گوید: به دست آوردن حالتی برای نفس که مانع از غلبه شهوت می‌شود. (راغب اصفهانی، ص ۵۷۴). این واژه در روایات و احادیث غالباً در عفت شکم و دامن به کار می‌رود یعنی بازداشتن شکم و دامن از خواسته‌ها و تمایلات حرام و نامشروع بلکه به خودداری از موارد مکروه و شبهه‌ناک اعم از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و... به کار می‌رود. (مجلسی، ج ۶۷ و ۶۸، ترجمه ج ۲، ص ۲۷۲). در واقع حیا و عفاف تدبیر ماهرانه‌ای است که زن برای گرانبها نمودن و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار می‌برد. (مطهری، ج ۱۹، ص ۴۲۲)

مفهوم اصطلاحی عفاف

عفاف و عفت از اصطلاحاتی است که در علم اخلاق از آن بحث می‌شود و علمای اخلاق در تعریف آن گفته‌اند: «عفت آن است که قوه شهویه در خوردن و نکاح (امور جنسی) از حیث کم و کیف مطیع و فرمانبر عقل باشد و از آنچه عقل نهی می‌کند، اجتناب کند و این همان حد اعتدال است که عقل و شرع پسندیده است». (مجتبوی، ج ۲، ص ۱۵)

شهید مطهری عفاف را این‌گونه تعریف می‌کند: عفاف و پاکدامنی یک حالت نفسانی است؛ یعنی رام بودن قوه شهوات تحت حکومت عقل و ایمان، تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن. (مطهری، ص ۱۵۲) عفت در حقیقت کنترل شهوت است و شهوت در لغت یک مفهوم عام دارد که هرگونه

خواهش نفس و میل و رغبت به لذات مادی را شامل می شود. اما شهوت یک مفهوم خاص هم دارد که همان شهوت جنسی است. بنابراین عفت نیز دو مفهوم دارد؛ یک مفهوم عام که عبارت است از خویشتن داری در برابر هرگونه تمایل افراطی نفسانی و مفهوم خاص آن خودداری از تمایلات افراطی جنسی است.

مراحل امر به معروف و نهی از منکر

در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر در ماده ۱ آمده است که: معروف و منکر عبارتند از هرگونه فعل، و یا ترک فعل و قولی که به عنوان احکام اولی و یا ثانوی در شرع مقدس و یا قوانین، مورد امر قرار گرفته و یا منع شده باشد. در تبصره این حکم هست که در احکام حکومتی، نظر مقام ولی فقیه ملاک عمل خواهد بود.

لزوم ناراحتی قلبی

انسان به مقتضای خلقت و فطرت انسانی خود حقیقتاً باید از بی حرمتی به فرمان‌های الهی و بی توجهی به احکام قطعی عقل مبنی بر حسن و قبح افعال ناراحت شود؛ زیرا فطرت پاک انسانی اقتضای چنین عکس‌العملی را دارد. امیرمومنان علی (ع) در حدیثی این حقیقت را به زیبایی تصویر کرده، می فرماید: ... فَمَنْ لَمْ يَعْرِفْ بِقَلْبِهِ مَعْرُوفاً وَ لَمْ يُنْكِرْ مُنْكَرًا، قَلْبٌ فَجَعَلَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ؛ کسی که با قلب خود به معروف امر نمی کند و از منکر باز نمی دارد، انسان وارونه و واژگونه ای است. (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۱۳۴)

براساس این حدیث کسی که نسبت به معروف و منکر کمترین احساس را ندارد، و قلباً هم بی تفاوت است، انسان واژگونه و وارونه ای بوده و از هویت اصلی خویش دور مانده است. بسیاری از تعریف‌هایی هم که در کتاب‌های فقهی از مرتبه انکار قلبی شده، همین احتمال را تقویت می کنند. برخی از آن تعریف‌ها چنین اند:

- اعتقاد به وجوب مأموریه و حرمت منهی^۱ عنه؛ (طوسی، ص ۳۰۱۴۰۰ق؛ شهید ثانی،

- اعتقاد به وجوب مأمور^۲ به و حرمت منهی^۳ عنه و عدم رضایت به گناه؛ (حلی، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال والحرام، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵۲۵)
 - اعتقاد به وجوب مأمور^۲ به و حرمت منهی^۳ عنه و عدم رضایت به گناه و ابتهال به درگاه خدا؛ (فاضل مقداد، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۹۴)
 - عدم رضایت به گناه؛ (سبزواری، ج ۱، ص ۴۰۵)
 - بغض نسبت به گناه برای رضای خدا. (فیض کاشانی، ج ۲، ص ۵۷)
- آنچه به عنوان اولین مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر ادعا شده، صحیح به نظر نمی‌رسد، اولین مرتبه امر به معروف و نهی از منکر انکار قلبی به معنای ابراز، اظهار و آشکار کردن ناراحتی خود از نافرمانی خداست، نه صرف ناراحتی قلبی که امری درونی است. (حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ۱۴۱۸ق، ج ۱۵، ص ۲۴۱)

فلسفه جعل و تشریح امر به معروف و نهی از منکر

در ماده ۵ قانون امر به معروف و نهی از منکر آمده است که: در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز کند. و در تبصره این ماده آمده است که: اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست.

فلسفه جعل و تشریح امر به معروف و نهی از منکر آن است که خداوند به منظور تقویت حسن^۴ مسئولیت در مردم نسبت به نیکی‌ها و زشتی‌ها که بنا بر مبنای امامیه و معتزله در مسئله حسن و قبح عقلی، بسیاری از آنها در فطرت بشر به ودیعت نهاده شده‌اند، همچنین نسبت به اوامر و نواهی الهی چنین تکلیفی را بر آنان واجب گردانیده است. (حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ۱۴۰۷ق، ص ۳۰۳)

برای آنکه مردم نسبت به ترک نیکی‌ها و رواج زشتی‌ها از سوی هم‌نوعان خود، به ویژه در جامعه بی تفاوت نباشند و همواره بر فطرت الهی خود باقی بمانند، لازم است به آنان توصیه شود تا

در برابر انجام ندادن نیکی ها و انجام زشتی ها و پلیدی ها از سوی مردم بی تفاوت نباشند؛ زیرا بی تفاوتی در این زمینه به تدریج موجب می شود که انسان از فطرت الهی خود دور شود. حق تعالی انسان ها را بر فطرت پاک توحیدی آفریده و با ارسال پیامبران(ص) و تشریح شریعت درصدد هدایت انسان به سوی کمال آفرینش است. انسانی که در برابر اعمال و رفتار دیگران و نافرمانی خالق هستی از سوی آنان بی تفاوت باشد، از فطرت آغازین خود فاصله گرفته و هدایت و ارشاد او دشوار خواهد بود. بر این اساس، در حقیقت هرکسی به منظور مراقبت از خویش و وظیفه دارد در برابر زشتی ها حساس بوده و نسبت به آنها عکس العمل نشان دهد.

لزوم ناخشنودی از گناه

کراهت از گناه، انسان را در مسیر فطرت الهی نگاه می دارد، چنان که رضایت به گناه آدمی را از هدف خلقت انسان و فطرت الهی خویش دور می کند. انسانی که خود گناه نمی کند، اما از ارتکاب گناه از سوی دیگران رضایت قلبی دارد، از خلقت خویش دور شده است؛ زیرا انسان به گونه ای آفریده شده که به خوبی ها تمایل دارد و از زشتی ها گریزان است. نکوهش رضایت انسان از گناه و لزوم ناخشنودی از گناه و گنهکار می تواند دلیل و شاهد وجود چنین فلسفه ای برای جعل و تشریح امر به معروف و نهی از منکر باشد.

سرزنش و مجازات مردم به دلیل ترک این فریضه

از آیات و روایات استفاده می شود که مردم به دلیل ترک این فریضه امر به معروف و نهی از منکر، حتی مرتبه قلبی آن، نکوهش شده و گرفتار عذاب الهی گشته اند. از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد. قرآن کریم دانشمندان یهود و نصارا را به دلیل سیره مستمرشان مبنی بر سکوت در برابر گنهکاران و حرام خوران توبیخ و سرزنش کرده، می فرماید: لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّائِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ چرا دانشمندان نصاری و علمای یهود، آنها را از سخنان گناه آمیز و خوردن مال حرام، نهی نمی کنند؟! چه زشت است عملی که انجام می دادند! (مائده/۶۳) در آیه ای دیگر در سوره مائده می فرماید: لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ (مائده، ۷۸) کائوا لا يتناهون عن منكر فعلوه لبئس ما كانوا يفعلون

(مائده، ۷۹)؛ کافران بنی اسرائیل، بر زبان داود و عیسی بن مریم، لعن (و نفرین) شدند. این به خاطر آن بود که گناه کردند، و تجاوز می نمودند. آنها از اعمال زشتی که انجام می دادند، یکدیگر را نهی نمی کردند؛ چه بد کاری انجام می دادند!

از این آیات بر می آید که انسان نباید در برابر گناه بی تفاوت بوده و سکوت اختیار کند و از فطرت الهی خویش فاصله بگیرد. امام صادق(ع) فرمود: خداوند دو فرشته را فرستاد تا اهالی شهری را هلاک سازند. آنان وقتی وارد شهر شدند، شخصی را در حال دعا و عبادت و تضرع به درگاه خدا دیدند. یکی به دیگری گفت: آیا این عابد را نمی بینی؟ پاسخ داد: چرا می بینم، ولی به دنبال انجام مأموریت الهی ام می روم. اولی گفت: ولی من مأموریت را انجام نمی دهم تا به حضور پروردگارم بازگردم. بازگشت و عرض کرد: ما مردی را در حال دعا و عبادت شما دیدیم. خداوند فرمود: امض بما أمرتک به فإنّ ذا رجلاً لم يتمّع (ای لم يتعزّز) وجهه غیظاً لی قط؛ بازگرد و مأموریتی که به تو دادم، انجام ده. این مرد تاکنون یک مرتبه هم برای من عصبانی نشده و رو ترش نکرده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۹)

زمینه های فردی عفاف

ماده ۹ قانون امر به معروف و نهی از منکر: اشخاص حقیقی یا حقوقی حق ندارند در برابر اجرای امر به معروف و نهی از منکر مانع ایجاد کنند. ایجاد هر نوع مانع و مزاحمت که به موجب قانون جرم شناخته شده است؛ علاوه بر مجازات مقرر، موجب محکومیت به حبس تغزیری یا جزای نقدی درجه هفت می گردد. در مورد اشخاص حقوقی، افرادی که با سوء استفاده از قدرت یا اختیارات قانونی و اداری از طریق تهدید، اخطار، توییح، کسر حقوقی یا مزایا، انفصال موقت یا دائم، تغییر محل خدمت، تنزیل مقام، لغو مجوز فعالیت، محرومیت از سایر حقوق و امتیازات، مانع اقامه امر به معروف و نهی از منکر شوند؛ علاوه بر محکومیت اداری به موجب قانون رسیدگی به تخلفات اداری، حسب مورد به مجازات بند (پ) ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی محکوم می شوند. تبصره- وجوه حاصل از اجرای این ماده پس از واریز به خزانه کل کشور با پیش بینی در بودجه سالانه صددرصد (۱۰۰٪) در اختیار ستاد قرار می گیرد.

قرآن کریم در سوره اعراف در زمینه عفاف و پوشش می فرماید: فَذَلَّلْنَاهَا بِعُرْوَةٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ ناداهما رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَمَا الشَّجَرَةِ وَ أَقُلَّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ؛ پس شیطان آن دو را با فریب و حيله به سقوط (و پرتگاه گناه) کشاند، پس چون از آن درخت (نهی شده) چشیدند، زشتی برهنگی شان برای آنان آشکار شد و به (پوشاندن خویش با) چسباندن برگ درختان بهشت بر خود پرداختند و خداوند ندایشان داد: آیا شما را از آن درخت نهی نکردم و به شما نگفتم که شیطان برای شما دشمنی آشکار است؟ (اعراف، ۲۲)

دلی از تدلیه الدلو به معنای فرستادن دلو در چاه است، یعنی شیطان با سوگند یاد کردن به خدای عزوجل آدم و حوا را فریفت و آن دو را با خوردن از آن درخت از مقامشان فرو کشاند. از قتاده روایت شده: شیطان مؤمن را با سوگند به خدا فریب می دهد. همچنین از ابن عمر نیز نقل شده که هر گاه برده خود را می دید که نیکو نماز می گزارد او را آزاد می کرد. به او گفته شد: آنان تو را فریب می دهند. گفت: هر کس به وسیله خدا به ما نیرنگ زند نیرنگ او را می پذیریم. (طبرسی، ج ۲، ص ۳۰۳)

ایمان به مبدا و معاد

شخص با ایمان، خداوند متعال را همه جا حاضر و ناظر می بیند و باور دارد که همه کارهای او به وسیله فرشتگان الهی در پرونده ای ثبت می شود و روزی مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و سرنوشت نیکوکاران، بهشت و کیفر تبهکاران، دوزخ است. امام جواد (ع) فرمود: اعلم أنك لن تخلوا من عين الله فانظر كيف تكون؛ بدان که از دایره دید خداوند بیرون نخواهی بود؛ اکنون ببین چگونه هستی. (مجلسی، ج ۷۸، ص ۳۵۸)

امیرالمومنین در نامه ۵۵ نهج البلاغه می فرماید: أَمَا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا وَ ابْتَلَى فِيهَا أَهْلَهَا لِيَعْلَمَ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا، وَ لَسْنَا لِلدُّنْيَا خُلَفَاءَ وَ لَا بِالسَّعْيِ فِيهَا أَمْزَنًا وَ إِنَّمَا وَضَعْنَا فِيهَا لِئُبْتَلَى بِهَا؛ یعنی خداوند سبحان دنیا را برای آخرت قرار داده و مردم را در دنیا به آزمایش گذاشت تا روشن شود کدام یک نیکوکارتر است. ما را برای دنیا نیافریده اند و تنها برای دنیا به تلاش فرمان داده نشدیم، به دنیا آمدیم تا در آن آزمایش گردیم. (سید رضی، ۱۳۷۹، ن ۵۵)

حضرت در این عبارت به صراحت هدف از خلقت دنیا را رسیدن به آخرت بیان می‌دارند که باید تمام تلاش و همت انسان در این جهان، رسیدن به آخرت باشد. اعمال و کردار ما در دنیا وسیله آزمایش ما است که نتیجه آن در سرای دیگر آشکار می‌شود، هر کس در آن سرا اعمال بهتری را آورده باشد، نیکوکارتر است. نه تنها ما برای این دنیا خلق نشده ایم و مأمور به تلاش برای دنیا، منهای آخرت نیستیم بلکه هدف از خلقت خود دنیا نیز، آخرت می‌باشد.

کنترل نگاه

یکی از زمینه‌های عفاف و سلامت فرد و جامعه کنترل نگاه از حرام است. پیامبر (ص) فرمودند: *النظر سهم مسموم من سهام إبليس فمن تركها خوفاً من الله إعطاه الله إيماناً يجد حلاوته في قلبه؛ نگاه به (نامحرم) یکی از تیرهای زهر آلود شیطان است، هر کس از ترس خدا آن را ترک نماید، خداوند ایمانی به او عطا فرماید که شیرینی آن را در دل خویش بیابد.* (مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۳۸)

مقام معظم رهبری در این زمینه چنین گفته اند که: حجاب اسلامی وسیله حفظ و صیانت عفاف انسانی است. شخصیت انقلابی زن مسلمان به او اجازه نمی‌دهد که از راه نشان دادن پیکر برهنه خود، از راه در معرض گذاشتن و به نمایش نهادن زیور و زینت و آرایش خود، خود را نشان دهد. (خامنه‌ای، ۱۳۵۹).

ابوبصیر به خدمت امام صادق (علیه السلام) شرفیاب شد و پرسید: آیا جایز است مردی به پشت سر زن نامحرمی نگاه کند؟ حضرت در جواب فرمودند: آیا شما دوست دارید کسی در مورد ناموستان چنین رفتار نماید؟ عرض کرد: خیر. حضرت فرمود: پس هرچه را که بر خود نمی‌پسندی بر دیگران نیز مپسند. (حرعاملی، ج ۱۴، ص ۱۴۵)

کنترل فکر

یکی از عواملی که باعث تحریک میل جنسی در افراد می‌شود فکر کردن در مورد این مساله هست. بنابراین نگهداری فکر از چنین وسوسه‌هایی، موجب عفت و سلامت روح و روان شخص میشود. همچنان که قرآن کریم در سوره اعراف می‌فرماید: *إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ*

تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ؛ بدرستی که پرهیزکاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند به یاد [خدا و پاداش و کیفر او] می‌افتند و [در پرتو یاد او راه حق را می‌بینند و] بینا می‌گردند. (اعراف، آیه ۲۰۱)

پرهیزکاران وقتی شیطان طائف نزدیکشان می‌شود به یاد این می‌افتند که پروردگارشان خداوند است که مالک و مربی ایشان است، و همه امور ایشان بدست او است پس چه بهتر که به خود او مراجعه نموده و به او پناه ببریم، خداوند هم شر آن شیطان را از ایشان دفع نموده و پرده غفلت را از ایشان بر طرف می‌سازد، ناگهان بینا می‌شوند. (طباطبایی، ج ۸، ص ۴۹۸) همچنین امیرالمومنین می‌فرماید: روزه ی قلب و باطن انسان، نسبت به فکر انجام گناه، بهتر از روزه طعام و غذا است. (حرعاملی، ج ۵، ص ۳۷).

وجدان اخلاقی

چیزی که در فطرت بشر است، مسأله عفت است. یعنی خداوند، انسان و بخصوص زنان را طوری آفریده که به حقوق خانوادگی احترام بگذارند. در این باره قرآن کریم در سوره قیامت می‌فرماید: لا اقسَم بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ (۱) و لا اقسَم بالنفس اللوامة (قیامت ۱-۲) قسم به قیامت و قسم به نفس ملامتگر. منظور از نفس لوامه نفس مؤمن است، که همواره در دنیا او را به خاطر گناهانش و سرپیچی از اطاعت خدا ملامت می‌کند، و در روز قیامت سودش می‌رساند. (طباطبایی، ج ۲۰، ص ۱۶۴)

حیا

حیا و شرم عبارت از مهار کردن نفس از فعل و کار قبیح و زشت به خاطر حضور و نظارت ناظری که مورد احترام شخص حیا کننده است. (هاشمی رکاوندی، ص ۱۹۸) زنان با حیا از هر کار سبک و نامناسبی که موجب جلب توجه دیگران شود پرهیز می‌کنند، مثلاً راه رفتن، لباس پوشیدن و رفتارشان به گونه ای نیست که نامحرمان را به سوی خود جذب نمایند. از این رو امام صادق (ع) می‌فرماید: الْحَيَاءُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تَسَعُّهُ فِي النَّسَاءِ وَ وَاحِدٌ فِي الرِّجَالِ؛ حیا ده جز دارد، نه جزء آن در زنان است و یک جزء در مردان. (صدوق، ج ۳، ص ۴۶۸، ح ۴۶۳۰)

نقش حیا

حیا عاملی است که همچون لباس، تمام زشتیها را می پوشاند و موجب پایبند شدن انسان به قوانین و دستورات دین می شود. حیا عامل حفظ افراد جامعه از تن دادن به انحرافات و آسیبهای اجتماعی است. امام صادق (ع) می فرماید: «لا ایمان لمن لا حیاء له: کسی که حیا ندارد ایمان ندارد. (مجلسی، ج ۷۸، ص ۱۱۱).

هر چه حیا بیش تر باشد، نیروی بازدارنده قوی تر خواهد بود. بین حیا و عفت رابطه مستقیمی وجود دارد. امام علی (ع) می فرماید: علی قدر الحیاء تكون العفة؛ عفت و پاکدامنی به اندازه شرم و حیای انسان است. (آمدی، ج ۲، حدیث ۱۰) از این روایت استفاده می شود که عفت بدون حیا ممکن نیست.

- حیای از خویش: پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: «حیا دو گونه است: حیای خردمندان و حیای احمقانه. حیای خردمندان، دانش است و حیای احمقانه، نادانی» (کلینی، ج ۲، ص ۱۰۶)

- حیای از دیگران: کسی که از مردم حیا ندارد از خداوند نیز حیا نمی کند. (آمدی، ج ۲، ص ۲۳۶)

- حیا از فرشتگان: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)؛ لیستحی احدکم من ملکیه الذین معه کما یستحی من رجلین صالحین من جیرانه و هما بالیل و النهار؛ انسان باید از دو فرشته ای که همیشه با او هستند شرم کند چنانچه از دو مرد صالح و پارسا (از همسایگان خود) شرم می کند و در صورتی که فرشتگان شب و روز با او هستند. (پاینده، ص ۵۰۲، ش ۲۳۷۲)

حیای منفی

- حیا در گفتن حق: حضرت علی (علیه السلام) فرمود؛ من استحیی من قول الحق فهو احمق. کسی که از گفتن حق شرم کند، احمق و نادان است. (آمدی، حدیث ۸۵۶)

- حیا در فراگیری دانش: حضرت علی (علیه السلام) فرمود؛ هیچ کس نباید از فراگیری آنچه را که نمی داند حیا کند. (سید رضی، خ ۸۲)

- حیا از گفتن (نمی دانم): ابن جوزی بر منبری سه پله ای رفته بود و صحبت می کرد. زنی

از پایین، مسأله ای پرسید. ابن جوزی گفت: نمی دانم. زن گفت: تو که نمی دانی، پس چرا سه پله از دیگران بالاتر نشسته ای؟ گفت: این سه پله، به اندازه ای است که من می دانم و شما نمی دانید. به اندازه ی معلوماتم بالا رفته ام. اگر می خواستم به اندازه ی مجهولاتم بالا روم، منبری لازم بود با فلک الافلاک. (صاحبی، ص ۱۰۹)

تأثیر نبود امر به معروف و نهی از منکر و عفاف در اجتماع

استاد مطهری فضای سالم معنوی را حق هر جامعه ای دانسته که امر به معروف و ناهی از منکر در حقیقت به دفاع از این حق اجتماع بر می خیزد. دقیقاً مثل کسی که در یک جامعه استبدادزده به دفاع از حق آزادی های اجتماعی و سیاسی مردم برمی خیزد. هیچ کس چنین فردی را محکوم نمی کند، بلکه او را به دلیل آنکه خود را برای دفاع از حق آزادی عمومی جامعه به زحمت افکنده، می ستایند. امر و ناهی هم باید به همین دلیل ستایش شوند، به ویژه اگر در امر و نهی خود، استیفای حق مردم را در نظر داشته باشند، نه حق خود را. (مطهری، مجموعه آثار: جهاد، ۱۳۷۸ش، ج ۲۰، ص ۲۴۴)

حال در این مجال از جمله آثار بی عفتی و تأثیر آن را بر جامعه بررسی می کنیم:

جدایی و طلاق

عامل بسیار مؤثر و سازنده در شخصیت الهی انسان، عفت عمومی، سلامت و پاکی جامعه از عوامل غفلت آفرین و هوس آلود و ناپاکی ها است که عمده آنها هتک حریم حجاب و پوشش عفیفانه و ضعف غیرت و عفت دختران احساس مسئولیت پدران و مادران و شوهران آنها می باشد که افراد جامعه را به سمت هوس های نفسانی سوق داده و باعث تباهی اخلاق آنان می گردند؛ در نتیجه حق محوری جای خود را به هوس بازی و خودخواهی می دهد که عامل اصلی بروز اختلافات و در نهایت طلاق است. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی در مغبوضیت طلاق می فرماید: ما من شیء أحببنا إلى الله من بیئت یمعمر بالنکاح، وما من شیء أبغضنا إلى الله من بیئت یمزق فی الإسلام بالفرقة، یعنی الطلاق. هیچ چیز در پیشگاه خدا محبوب تر از خانه ای که به ازدواج، آباد شده باشد نیست و

هیچ چیز، در پیشگاه خدا منفورتر از خانه ای که در اسلام، به جدایی طلاق ویران شود، نیست. (حر عاملی، ج ۱۶، ص ۲۶۶ - ۲۶۷)

فساد اجتماعی

اگر ایمان و باورهای اعتقادی افراد از بین برود و روابط ناسالم جایگزین آن شود در خانواده و جامعه بسیاری مشکلات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی عرض اندام می کند. قرآن کریم در این باره خطاب به زنان پیامبر(ص) می فرماید: وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (احزاب، ۳۳) و در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار نکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده اش را فرمان برید خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند. تبرج از برج به معنای خودنمایی است همان گونه که برج در میان ساختمان های دیگر جلوه ی خاصی دارد. جاهلیت اولی نشان دهنده ی ظهور جاهلیت اخری است که ما امروز شاهد آنیم، در حدیث نیز آمده است که «ستکون الجاهلیه الاخری» به زودی جاهلیت دیگری فرا می رسد. (قرائتی، ج ۷، ص ۳۶۰)

تأثیر امر به معروف و نهی از منکر بر ترویج عفاف در جامعه

رواج نیکی ها و ریشه کن شدن زشتی ها

"ماه ۱۰- وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان بسیج مستضعفین، شهرداری ها و سایر نهادها و دستگاه های فرهنگی مکلفند شرایط اقامه امر به معروف و نهی از منکر و بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در این خصوص را از طریق آموزش و اطلاع رسانی فراهم کنند.

از دیدگاه بسیاری از دانشمندان اسلامی، فلسفه تشریح امر به معروف و نهی از منکر رواج نیکی ها و ریشه کنی زشتی ها از جامعه است. اسلام جامعه ای عاری از فساد می خواهد تا مردم

برای رشد و تعالی معنوی با مانع و رادعی روبه رو نباشند، وجود فساد و رواج منکرات در جامعه مانع رشد و تعالی معنوی مردم است. در این مکتب آن اندازه که نسبت به رواج منکرات در جامعه حساسیت وجود دارد، نسبت به منکراتی که به صورت پنهانی انجام می شود و در حریم خصوصی افراد رخ می دهد، حساسیت نیست.

حق رشد و تربیت اخلاقی و معنوی انسان

خداوند با خلقت انسان و قرار دادن استعداد رشد و کمال در وجود او، حق کمال، رشد و تعالی معنوی به او بخشیده است. چنان که استعدادها و نیازهای دیگری که در وجود انسان نهاده شده، در حقیقت حقوقی را برای انسان ایجاد کرده است. (مطهری، ۱۳۷۸ش، ج ۵، ص ۱۹۸) استیفای این حق نیازمند فراهم بودن شرایطی مساعد است و جامعه عاری از فساد و تباهی از جمله این شرایط است. افراد جامعه اجازه آلوده ساختن محیط زندگی و سلب حق رشد و تربیت معنوی هموعان خود را ندارند، همان گونه که حق آلوده ساختن محیط زندگی خود با انواع میکروب ها و آلودگی های زیست محیطی را ندارند. بشر امروز به ضرورت رعایت بهداشت فردی و زیست محیطی پی برده و با جدیت آن را پیگیری می کند و متجاوزان به این حق مسلم عمومی را مجازات می کند. با توجه به اهمیت روح و روان انسان در مکاتب توحیدی در مقایسه با جسم او، آیا می توان ضرورت توجه به ملزومات رشد و تربیت روحی، روانی و معنوی انسان را انکار کرد و از راهکارها و موانع آن سخن نگفت؟ آیا انسان ها نسبت به سرنوشت خود و فرزندانشان مسئولیتی ندارند؟ جعل و تشریح امر به معروف و نهی از منکر دقیقاً راهکاری برای استیفای این حق مسلم و عمومی انسان هاست.

عقل انسان همان گونه که بر حسن برخی افعال و قبح برخی دیگر حکم می کند، بر رواج افعال نیک و جلوگیری از رواج افعال ناپسند نیز حکم می کند. از همین رو است که برخی فقیهان وجوب امر به معروف و نهی از منکر را عقلی می دانند. دستور شرع به امر به معروف و نهی از منکر هم حکم ارشادی است که فقط حدود و ضوابط آن در شرع تعیین شده است. چنان که جلوگیری از ارتکاب گناه لازم است، جلوگیری از مقدمات ارتکاب گناه هم لازم و ضروری است. از آنجا که خداوند سبحان نه راضی به تحقق منکراست، و نه راضی به صدور منکر از انسان، عقل

هم بر لزوم ترک منکر حکم می‌کند، هم بر لزوم نهی از ارتکاب منکر. (خمینی، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۲۰۴)

لزوم جلوگیری از منکرات و ترویج عفت

ماده ۱۱- قوه قضاییه مکلف است به منظور تسریع در رسیدگی به جرایم موضوع این قانون شعب ویژه ای را اختصاص دهد. تبصره- آمران به معروف و ناهیان از منکر مشمول حمایت های قضایی موضوع ماده (۴) قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱/۱۰/۱۳۷۱ مجلس شورای اسلامی می‌گردند.

امام خمینی (ره) در باب امر به معروف و نهی از منکر می‌گویند: در باب امر به معروف و نهی از منکر، یکی از مهمات، همین رفق نمودن و مدارا کردن است. ممکن است اگر انسان مرتکب معصیت یا تارک واجبی را با شدت و عنف بخواهد جلوگیری کند، کارش از معصیت کوچک به معاصی بزرگ یا به رده و کفر منتهی شود؛ در ذائقه انسان امر و نهی تلخ و ناگوار است و غضب و عصبیت را تحریک می‌کند. امر به معروف و ناهی از منکر باید این تلخی و ناگواری را با شیرینی بیان و رفق و مدارا و حسن خلق، جبران کند تا کلامش اثر کند و دل سخت معصیت کار را نرم و رام نماید. (خمینی، حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۱۷)

چیزی که در فطرت بشر است، مسأله عفت است. یعنی خداوند، انسان و بخصوص زنان را طوری آفریده که به حقوق خانوادگی احترام بگذارند. در این باره قرآن کریم در سوره قیامت می‌فرماید: «لا اقسیم بیوم القيامة (۱) و لا اقسیم بالنفس اللوامة» (قیامت ۱-۲) قسم به قیامت و قسم به نفس ملامتگر. صاحب تفسیر المیزان می‌فرماید: منظور از "نفس لوامة" نفس مؤمن است، که همواره در دنیا او را به خاطر گناهانش و سرپیچی از اطاعت خدا ملامت می‌کند، و در روز قیامت سودش می‌رساند. (طباطبایی، ج ۲۰، ص ۱۶۴)

تقوا راهبردی سیاسی بر رعایت عفاف و نهی از منکر

ماده ۱۶- ستاد امر به معروف و نهی از منکر که در این قانون ستاد نامیده می‌شود؛ عهده دار وظایف زیر است:

۱. تعیین سیاست ها و خط مشی های اساسی در زمینه ترویج و اجرای امر به معروف و نهی از منکر و پیشنهاد آن به مبادی ذی ربط.
 ۲. تبادل اطلاعات و نظرات برای شکل گیری سیاست های مربوط به امر به معروف و نهی از منکر.
 ۳. آسیب شناسی و ریشه یابی علل ترک معروف و ارتکاب منکر.
 ۴. تعیین الگوهای رفتاری.
 ۵. زمینه سازی جهت مشارکت همه جانبه آحاد مردم و دستگاه های اداری و رسانه های عمومی در امور مربوط به فریضه امر به معروف و نهی از منکر.
 ۶. رصد اقدامات انجام شده در اجرای این قانون و انعکاس آن به مراجع ذی ربط.
 ۷. تدوین راهبردهای آموزشی برای سطوح مختلف جامعه.
 ۸. آموزش و پژوهش و تحقیق در زمینه امر به معروف و نهی از منکر و ترویج گسترش فرهنگ آن.
 ۹. شناسایی ظرفیت ها و کمک به تشکیل جمعیت ها و تشکل های مردمی فعال.
 ۱۰. حمایت همه جانبه از اقدامات قانونی آمران به معروف و ناهیان از منکر.
 ۱۱. پیگیری مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در ارتباط با تکالیف ستاد در خصوص راهکارهای اجرایی فرهنگ عفاف و حجاب.
 ۱۲. ارایه گزارش سالانه به مقام معظم رهبری و قوای سه گانه و مردم".
- واژه تقوا در بعضی آیات به صورت فعل امر آمده، و به صراحت نشان می دهد که تا چه حد رعایت تقوا اهمیت دارد و تا چه حد انسان از تقوا غفلت می کند. از جمله این اوامر این است که می فرماید: اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ از خدا بترسید، چنانچه شایسته خدا ترس بودن است. (آل عمران، ۱۰۲) در فرهنگ قرآن کریم، متقی کسی است که با ایمان و عمل صالح برای خود ملکه ای نفسانی فراهم می سازد تا او را از آسیب های درونی (هوای نفس) و بیرونی (شیطان) مصون دارد. (جوادی آملی، ج ۲، ص ۱۳۲) و متقین و پرهیزکاران، همان مؤمنانند و پرهیزکاری، از اوصاف مخصوص طبقه معینی نیست تا مانند احسان و خشوع و خلوص جزء مقامات خاصه محسوب

شود، بلکه صفتی است که در تمام مراحل ایمان پس از تحقق ایمان پیدا می‌شود. دلیل آن هم این است که خداوند آن را به عنوان یک صفت خاص برای طبقه مخصوص از مؤمنان (با آن همه اختلاف درجاتی که دارند)، بیان نکرده است. (طباطبایی، ج ۸، ص ۸۲)

نتیجه‌گیری

۱. تقویت حس مسئولیت در مردم نسبت به رفتار و کردار هم‌نوعان خود، و هتک فرمان‌های الهی، در حقیقت روشی برای تربیت انسان در مسیر هدایت و کمال خلقت اوست. انسان بی‌مسئولیت و بی‌تفاوت نسبت به نوع رفتار انسان‌های دیگر، از فطرت و خلقت انسانی خود دور شده؛ نهادن تکلیف امر به معروف و نهی از منکر بر عهده او، در حقیقت متوجه کردن او به حقایقی است که عقل و دل او بدانها گواهی می‌دهد، و حفظ او در صراط مستقیم فطرت الهی و انسانی است.

۲. در اصل امر به معروف و نهی از منکر، استفاده از روش‌های ملامطت‌آمیز و موثر است، به گونه‌ای که تارک معروف و مرتکب منکر با تمام وجود حس کند امر و ناهی از روی محبت و دلسوزی به او تذکر می‌دهد یا رو ترش می‌کند. در شرایط عادی و نسبت به افراد معمولی، و معروف‌ها و منکرهای متعارف اجبار و الزام راهگشا نبوده و تأثیری در اصلاح و تربیت افراد ندارد. تنها در مورد منکراتی که قانونگذار هرگز راضی به وقوع آن نیست، مثل قتل نفس و مانند آن و در مورد افراد عنود و لجوج که تذکر زبانی و انکار قلبی بی‌اثر بوده و جز با اقدام عملی حکومت نمی‌توان آنان را کنترل کرده و جامعه را از شر آنان نجات داد، کاربردی نخواهد داشت. گرچه در درجه نخست، امر و نهی عملی آنان هم با هدف اصلاح و تربیت انجام می‌گیرد، اما اگر از اصلاح و تربیت آنان مأیوس هم باشیم، به منظور جلوگیری از آسیب زدن آنان به افراد جامعه (اضرار به غیر)، انکار یدی و اقدام عملی ضرورت دارد و اثر مورد انتظار در چنین مواردی، اصلاح و تربیت آنان نیست، بلکه صرفاً ترک منکر، هرچند از روی اکراه و ناچاری از سوی این افراد خواهد بود.

منابع و مأخذ

قرآن

۱. ابن منظور، محمد مکرم (۱۴۰۸)، لسان العرب، الطبعة الاولى، بیروت، دار احیاء التراث.
۲. بوکر، جان، هولم، جیم (۱۳۸۴)، زن در ادیان بزرگ جهان، ترجمه علی غفاری، تهران، سازمان تبلیغات شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۳. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۲)، نهج الفصاحه، قم: جاویدان.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، غرر الحکم و درر الکلم، شرح آقا جمال الدین خوانساری، تهران، دانشگاه تهران.
۵. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه: علی نقی فیض الاسلام، تهران: موسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام، بی تا.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۶)، زن در آئینه جمال و جلال، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم.
۷. حر عاملی، محمد حسن (۱۴۱۴) وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت.
۸. حلی، حسن بن یوسف مطهر (۱۴۰۳)، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۹. حلی، حسن بن یوسف مطهر (۱۴۰۷)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تصحیح آیت الله حسن حسن زاده آملی، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف مطهر، (۱۴۱۲)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه.
۱۱. حلی (محقق)، نجم الدین جعفر بن الحسن (۱۴۱۸)، المختصر النافع فی فقه الامامیه، قم، موسسه المطبوعات الدینییه.
۱۲. حلی (محقق)، نجم الدین جعفر بن الحسن (۱۴۰۸)، شرایع الاسلام، تحقیق عبدالحسین محمد علی بقال، قم، موسسه اسماعیلیان.
۱۳. خامنه ای، سید علی، خطبه نماز جمعه تهران ۹۵/۴/۳.

۱۴. خرازی، سید محسن (بی تا)، الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۱۵. خمینی، روح الله موسوی (۱۳۷۳)، ولایت فقیه، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۶. خمینی، روح الله موسوی (۱۳۷۲)، آداب الصلاه، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۲.
۱۷. (۱۴۲۱)، تحریر الوسیله، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم.
۱۸. (۱۳۹۱)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۴)، المفردات فی غریب القرآن، تهران، دفتر نشر کتاب.
۲۰. سبزواری، محمد باقر (بی تا)، کفایه الاحکام، اصفهان، مهدوی.
۲۱. فاضل مقداد، جمال الدین مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴)، التنقیح الرائع لمختصر الشرایع، تصحیح و تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوه کمره ای، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۲. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸)، مجمع البیان، فی تفسیر القرآن، تصحیح و تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی و سید فضل الله یزدی طباطبایی، بیروت، دارالمعرفه.
۲۴. طوسی، شیخ ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۰)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دارالکتاب العربی.
۲۵. فیض کاشانی، محمد محسن (بی تا)، المحججه البیضا فی تهذیب الاحیاء، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۶. قانون حمایت از آمران و ناهیان از منکر، مصوب ۱۳۹۴/۱/۲۳.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. مجتبی، سید جلال الدین (۱۳۶۴)، علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، تهران، انتشارات حکمت.
۲۹. مطهری، شهید مرتضی (بی تا)، حماسه حسینی، تهران، صدرا.
۳۰. مطهری، شهید مرتضی (۱۳۷۸)، مجموعه آثار، تهران، صدرا.
۳۱. مطهری، شهید مرتضی (۱۳۷۸)، یادداشت ها، تهران، صدرا.